

طلاق عاطفی

نویسنده:

اعظم زمانی قلعه چه

www.ketab.ir

سرشناسه: زمانی قلعه‌چه، اعظم، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور: طلاق عاطفی / نویسنده اعظم زمانی قلعه‌چه.
مشخصات نشر: قم: ارمغان دوستی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: رقعی، ۷۶ ص
شابک: 978-622-8474-28-1
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: زناشویی -- اختلاف -- جنبه‌های روانشناسی
زناشویی -- ارتباط -- جنبه‌های روان‌شناسی
روابط زن و مرد -- جنبه‌های روان‌شناسی
طلاق -- جنبه‌های روان‌شناسی
رده بندی کنگره: HQ ۷۴۳
رده بندی دیویی: ۳۰۶/۸۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۰۱۳۹۶



طلاق عاطفی

نویسنده: اعظم زمانی قلعه‌چه

ناشر: ارمغان دوستی

تیراژ: ۱۵۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۳

چاپخانه: زمزم

دفتر فروش:

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۷۶

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۲۷۰۷

فهرست مطالب

۶	پیشگفتار
۷	مقدمه
۱۰	تعریف خانواده
۱۰	خاستگاه خانواده
۱۱	تقسیم بندی انواع خانواده
۱۳	مفهوم شناسی
۱۵	مفهوم طلاق عاطفی
۱۹	نیازهای اساسی مردان و زنان در روابط زناشویی چیست؟
۱۹	احترام
۲۰	اعتماد
۲۰	تشویق
۲۰	تحسین
۲۱	تشکر و قدردانی
۲۲	صمیمیت
۲۳	صمیمیت جسمی یعنی چه؟
۲۴	صمیمیت عاطفی و هیجانی چیست؟
۲۵	صمیمیت فکری و عقلانی چیست؟
۲۶	تفاوت طلاق جسمی با طلاق عاطفی
۲۷	استمرار زندگی در طلاق عاطفی
۲۸	علائم و نشانه‌های طلاق عاطفی
۳۰	تحلیل و بررسی طلاق عاطفی از نظریه‌های مختلفی

- ۱- نظریه مثلث عشق استرنبرگ ۳۰
- ۲- نظریه سیستمی کیفیت زناشویی مارکز ۳۱
- ۳- نظریه مارک نپ ۳۲
- ۴- دیدگاه پل هانان ۳۳
- دلایل طلاق عاطفی ۳۴
- علل و عوامل مؤثر در طلاق عاطفی ۳۴
- بررسی و تحلیل کیفیت زناشویی بین زوجین ۳۶
- الف - دیدگاه برادبوری ۳۷
- ب- دیدگاه بیرر ۳۹
- ج- دیدگاه السون ۳۹
- دلزدگی زناشویی ۴۰
- بهزیستی یا رضایت زناشویی ۴۲
- پیامدهای طلاق عاطفی ۵۶
- استراتژی‌های مواجهه با طلاق عاطفی ۵۷
- یک فرمول خوب برای پیش بینی آینده رابطه‌تان ۵۹
- راهکارهای پیشگیری از طلاق عاطفی ۶۳
- سخن پایانی ۷۰
- منابع ۷۲

پیشگفتار

همه عشق‌ها با آرزو شروع می‌شود و با توکل ادامه می‌یابند. «ژان ژاک روسو»

زندگی اجتماعی در عصر امروز با فراز و نشیب‌های زیادی همراه است و سختی‌ها و مشکلات در درجات متعدد و متفاوتی در زندگی رخ می‌دهد. این مشکلات در بین اعضای خانواده و زوجین نیز به وضوح رخ می‌دهد. در بین اعضای خانواده، زوجین و پدر و مادر از اهمیت بالایی برخوردارند. به همین منظور ارتباطات بین آن و کمیت و کیفیت این ارتباطات از جمله مهمترین فاکتورهای تأثیر گذار بر روابط اعضای خانواده و طرفین در دین این حال در برخی شرایط بین زوجین و یا والدین به دلایل مختلف مشکلات ارتباطی احساسی عاطفی و یا برخی علل مادی یا معنوی رخ می‌دهد که منجر به سردی این ارتباطات و در نتیجه بحرانی شدن آن می‌گردد. در صورتی که این سردی روابط بین زوجین تشدید گردد و از حد کنترل خارج گردد میتواند تبعات مخربی را ایجاد نماید. بسند گیری این روابط مشکلاتی بین زوجین یا والدین رخ میدهد که در اصطلاح جدید به آن علاقه عاطفی می‌گویند. طلاق عاطفی متأثر از عناصر و عوامل متعددی است و دلایل مختلفی دارد. این علاقه عاطفی، شخصی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌تواند منجر به ایجاد چنین وضعیتی گردد.

مقدمه

خانواده از نخستین نظام‌های بنیادی است که برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضروری است به گونه ای که دین مبین اسلام تشکیل خانواده را نیمی از ایمان می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳) بنای یک خانه زمانی استحکام خواهد داشت که مرد و زن با رعایت حقوق یکدیگر در آن زندگی کنند. روابط مناسب در جامعه نیز براساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه که نظام خانواده‌ها مستحکم تر باشد جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمیتواند ادعای سلامت کند و هیچ کدام از آسیب‌های اجتماعی بی تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند. (ساروخانی، ۱۳۷۵). صاحب نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت نام دارد (شرقی، ۱۳۸۳).

روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد. خانواده با تسهیل و تسهیل از ثبات و استحکام بیش تری برخوردار است (اعزاز، ۱۳۸۷). یکی از بایده‌هایی که به خانواده و جامعه آسیب میرساند طلاق عاطفی است. منظور از طلاق عاطفی شرایطی است که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی کرده و به دلایل مختلف تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. این مسئله از شایعترین مشکلات خانواده‌ها و جامعه است (بخارایی، ۱۳۸۶). در طلاق عاطفی، زندگی زوجین سخت و ملال آور شده محیط مناسبی برای رشد ناهنجاری‌ها و کج روی‌ها -هم برای اعضای خانواده و هم برای جامعه فراهم میشود (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲).

آمار رسمی به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست زیرا در کنار آن آماری بزرگ تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد یعنی آنها با هم زندگی میکنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶، ۶۴). در

واقع برخی ازدواج‌ها با طلاق پایان نمی‌یابد به ازدواج‌های تو خالی تبدیل میشوند که فاقد عشق مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل و وارن، ۱۳۸۸). از این رو بررسی مسئله طلاق عاطفی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و با توجه به اینکه تاکنون علیرغم توجه به مسئله طلاق، طلاق عاطفی کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. (پل یوهانان، ۱۹۷۰). طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی میدانند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند اما جاذبه و اشتیاق آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می‌شود که در آن هر یک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی دیگری را آزار می‌دهد. کاهش روابط خانوادگی و فامیلی با نداشتن مهارت‌های زندگی بین فامیل‌ها را یکی دیگر از علل طلاق عاطفی است به عنوان مثال خانواده شوهر با عروس رابطه خوبی ندارند و با گذشت زمان روابط بین فامیل سرد میشود که این مسأله به پدید آمدن طلاق عاطفی کمک می‌کند (شرقی، ۱۳۸۳).

تفاوت‌های فرهنگی به عنوان علت دیگر صلاح عاطفی است ازدواج‌های احساسی و هیجانی در جامعه کنونی افزایش یافته است که منجر به طلاق عاطفی میشود به طوری که پسر با مشاهده یک موضوع مورد علاقه در دختر با ازدواج کرده و به هیچ مسأله دیگری توجه نکرده است و بطور کلی تفاوت‌های فرهنگی، تحصیلی، خانوادگی و ... باعث فاصله گرفتن آنها از یکدیگر و سرد شدن روابط خانوادگی و در نهایت طلاق عاطفی می‌شود. کم‌رنگ شدن ایمان و اعتقادات مذهبی نیز چاشنی قضیه طلاق عاطفی است به طوری که افراد روابط خارج از محدوده خانواده دارند و در نتیجه آمار طلاق افزایش یافته و زمینه بروز آسیب‌های دیگر را فراهم می‌کند (ثنایی، ۱۳۷۰).

اگر چه به نظر می‌رسد که ازدواج شکل و محتوایی از صمیمیت دارد اما طلاق عاطفی ممکن است در رابطه ای به وجود آید که در آن تفاوت‌های آشکار کمی وجود

دارد و همسران به راحتی در کنار هم زندگی می‌کنند. اما در احساسات شخصی یکدیگر شریک نیستند از سوی دیگر طلاق عاطفی رابطه ای را توصیف می‌کند که در آن همسران در محیط‌های اجتماعی خوب و صمیمی به نظر میرسند ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین در طلاق عاطفی زوجین فقط زیر یک سقف زندگی میکنند در حالی که ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است (محمدی، ۱۳۸۳).

از دیگر دلایل بروز طلاق عاطفی را می‌توان به تفاوت‌های شخصیتی وجود اختلال شخصیت، یکی از طرفین رابطه عدم وجود مهارت‌های عشق ورزیدن در حداقل یکی از زوجین فقر و قشار اقتصادی ازدواج بدون آگاهی و شناخت خصوصاً در سنین پایین و عدم انطباق جنسی نسبت داد (ثنایی، ۱۳۷۰). در واقع کیفیت روابط درون خانواده نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرشها و بازخوردهای اجتماعی اعضای خانواده دارد و پایه و اساس رابطه درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است. طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی در سطح خانواده می‌تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده میشود. از طرف دیگر طلاق عاطفی بیش از طلاق قانونی بر فرزندان تاثیر گذار است به طوری که ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از طلاق عاطفی ایجاد می‌شود.

در طلاق عاطفی زوجین هیچ گونه حس نشاط و درک متقابلی ندارند و در واقع با یک توفیق اجباری زیر یک سقف زندگی میکنند. (افروز، ۱۳۸۹). از این رو در زمینه طلاق عاطفی که اولین مرحله فرایند طلاق و بیانگر زوال رابطه زناشویی است از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. نباید این نکته را از نظر دور داشت که در کنار آمار رسمی طلاق، آمار بزرگتر اما کشف نشده، به طلاق عاطفی اختصاص دارد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ داوودی و محمدی، ۱۳۹۱). براساس تحقیقات انجام شده توسط گروه جامعه شناسی خانواده در دانشگاه علوم بهزیستی و توان

بخشی بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد خانواده‌ها با طلاق عاطفی مواجه هستند که نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه خواهد داشت (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹). با توجه به مشکلات ناشی از طلاق و مخصوصاً طلاق عاطفی در خانواده‌ها، علل طلاق عاطفی (با توجه به رویکردهای گوناگون) علمی بیشتر مورد بررسی قرار میگیرد.

تعریف خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است. به طور متداول همه افراد در خانواده زاده و در خانواده نیز زندگی خود را به پایان میرسانند. تعاریف خانواده: تعاریف بسیاری درباره‌ی نهاد خانواده از دیدگاههای مختلف بیان شده است. گروهی از محققان علوم اجتماعی خانواده را به دو گروه از افراد که روابط آنان با یکدیگر بر اساس همخوانی شکل میگیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب میشوند تعریف نموده اند. برخی از جامعه شناسان روابط سستی خانواده را کنار گذاشته و خانواده را مجموعه ای از افراد که در یک جا کنار هم زندگی میکنند و معیار همزیستی و همبستگی آنها دو چیز است: قربابت یا زوجیت تعریف نموده‌اند. روان شناسان خانواده را شامل گروهی از افراد می‌دانند که از طریق ازدواج، تولید مثل و پرورش فرزندان با هم زندگی میکنند. این سیستم و سازمان اجتماعی در طول تاریخ بشر حیات در رشد پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا نموده است. خانواده بدون تردید مهمترین سازمانی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی کودک و عامل رسیدن ... به تعادل فیزیکی، روانی و اجتماعی است (وود، ۱۹۹۶).

خاستگاه خانواده

درباره خاستگاه خانواده یعنی چگونگی پیدایی اشکال ابتدایی آن دانسته‌های انسان بسیار محدود است و اغلب بر فرضیات مبتنی هست. متفکران حوزه در علوم مختلف عوامل گوناگونی را در تشکیل این واحد اجتماعی مؤثر دانسته اند ولی به طور کلی چنین به نظر میرسد که اولین واحد اجتماعی خانواده بوده است که به